

دیپلماسی هنوز نمرده است

این کارکرد، تقویت قدرت چانه‌زنی آمریکا در مرحله پس از دستیابی به توافق و در فرایند حل‌وفصل مسائل پیچیده و انباشته‌شده میان دو طرف است، چنین رفتاری در منطق سیاست بین‌الملل امری طبیعی محسوب می‌شود، هرچند لزوماً به معنای موفقیت آن نخواهد بود.

❗ **ولی این سؤال ذهنم را درگیر کرده که حتی با قرائت خوشبینانه شما چه شد که ترامپ پس از آن همه تهدید و خط‌ونشان‌کشیدن‌ها وارد ریل دیپلماسی شد؟ من نمی‌توانم این تلورانس را هضم کنم؛ واقعا ایران کوتاه آمد یا آمریکا؟**

بحث کوتاه‌آمدن این و آن نیست، نکته مهم این است که ظاهرا ایالات متحده آمریکا به لحاظ زمانی به نوعی تفکیک مرحله‌ای رسیده است؛ همان چیزی که آقای لاریجانی از آن بـا عنوان «شکل‌گیری ساختاری برای چارچوب گفت‌وگو و مذاکره» یاد کرد. این ساختار به این معناست که از منظر واشنگتن، هرچند از شروط سه‌گانه خود، صفرسازی غنی‌سازی اورانیم، از میان بردن برنامه موشکی و توقف حمایت ایران از نیروهای منطقه‌ای، به‌طور کامل دست نکشیده، اما فعلا با اولویت‌بندی، تمرکز را بر موضوع توان هسته‌ای ایران گذاشته است.

❗ **پس به باورتان توصیه‌هایی مانند آنچه ترکیه برای تفکیک موضوعات مذاکره مطرح کرده، اکنون در دستور کار است و تحمیل چهار شرط از میز برداشته شده است؟**

بله، اصلا نمی‌شود انتظار موفقیت با مسیر مدنظر ترامپ را داشت که یکباره ایران همه شروط را بپذیرد و دولت آمریکا هم کاری نکند و درخواست‌های ما را نپذیرد. تفکیک موضوعات یک مسیر و فضا را برای گفت‌وگو ایجاد می‌کند؛ یعنی در صورت حصول توافق در این حوزه (هسته‌ای)، امکان حرکت به گام‌های بعدی مذاکرات و پرداختن به سایر موضوعات وجود خواهد داشت.

❗ **تهران از چنین روندی استقبال می‌کند؟**

ایران ممکن است از چنین روندی استقبال کند؛ تأکید می‌کنم «ممکن است». واقعا نمی‌دانم.

❗ **مگر موشکی و منطقه‌ای، خطوط قرمز و مذاکره‌ناپذیر نیست؟ مگر عراقچی در مصاحبه با الجزیره همین را گفته است؟**

سؤال مهمی پرسیدید. ببینید هرچند ایران اعلام کرده که درباره توان موشکی و مسائل منطقه‌ای اساسا مذاکره‌ای نخواهد داشت؛ نمی‌دانم در جریان هستد که ایالات متحده اخیرا حتی توان هوافضای سپاه را نیز به فهرست شروط خود افزوده و خواستار انحلال کامل آن شده است؛ شرطی که عملا به معنای صفرسازی کامل توان دفاعی ایران است و روشن است که هیچ عاقلی چنین شروطی را نمی‌پذیرد.

❗ **به توبیت علی لاریجانی اشاره کردید. نکته مهم این است که این توبیت به زبان فارسی منتشر شده است. از منظر نشانه‌شناسی رسانه‌ای اگر قرار بود پیامی به خارج مخابره شود، طبیعتا انتشار به زبان انگلیسی منطقی‌تر بود. آیا مخاطب این پیام بیشتر افکار عمومی**

داخل کشور است؟ آیا با یک سیاست «دفع‌الوقت» مواجهیم یا اینکه واقعا مسئله جدی است و آقای لاریجانی از شکل‌گیری یک چارچوب واقعی برای مذاکرات خبر داده است؟

نکته جزئی ولی مهمی را مطرح کردید. پیامی که آقای لاریجانی از ایران ارسال کرد، از مسیر مسکو و با میانجیگری روسیه منتقل شده و این کاملا روشن است؛ چون هفته پیش لاریجانی راهی روسیه شد. پس پیام او از مسیر کرملین به کاخ سفید رفته است. اما اینکه او توبیت خود را برای اعلام چارچوب مذاکره با آمریکا به زبان فارسی منتشر کرده، به نظر می‌رسد بیشتر برای تبیین و توضیح علت سفر ناگهانی‌اش به مسکو بوده است. طبیعی هم هست که کدی به داخل هم داده باشد. اما مخاطب بیرونی از کانال دیگری سخنان تهران را می‌شنود، نه توبیت لاریجانی یا بقیه مقامات.

❗ **تحلیل قبل ناقص ماند. شما می‌گویید ادبیات و سیستم تصمیم‌گیری ترامپ تغییر کرده، دیگر به دنبال تحمیل هم‌زمان چهار پیش‌شرط نیست و پرونده‌ها را به‌صورت تفکیک‌شده پیش می‌برد و از هسته‌ای آغاز می‌کند. اگر در پرونده هسته‌ای توافقی حاصل شود، آیا واقعا جمهوری اسلامی ایران وارد معامله بر سر توان موشکی، مسائل منطقه‌ای و سایر موضوعات خواهد شد؟ بسیاری می‌گویند در حوزه هسته‌ای و حتی منطقه‌ای ایران هزینه‌ داده و تنها خط قرمز واقعی، توان موشکی است. آیا این روند در نهایت به بن‌بست می‌رسد؟**

این سؤال، سؤال بسیار مهمی است. اما پاسخ من روشن است؛ تفکیک شرایط، حوزه‌ها و موضوعات مذاکره به‌هیچ‌وجه به معنای پذیرش شروط از سوی ایران نیست. مذاکره با توافقی و پذیرش شروط فرق می‌کند. ما فعلا چارچوب مذاکره را تعیین کرده‌ایم. اصلا چنین مفهومی در منطق مذاکرات وجود ندارد. مذاکره پروتکل‌های خاص خود را دارد. اعلام نتیجه پیش از آغاز مذاکره یا پیش از توافق بر سر محتوای گفت‌وگو، درواقع دیکته‌کردن است و هیچ کشوری از‌جمله ایران چنین چیزی را نمی‌پذیرد.

❗ **به سراخ پرسش بسیار مهم‌تری برویم. شما علاوه بر آنکه تحلیلگر حوزه بین‌الملل و به‌ویژه خاورمیانه هستید، یک چهره سیاسی داخلی نیز محسوب می‌شوید. پس از انقلاب، اتفاقی کم‌سابقه رخ داده و آن اعتراضات دی‌ماه است. بسیاری معتقدند این تحولات موجب تضعیف وزن دیپلماتیک و توان چانه‌زنی ایران شده و همین امر زمینه عانورهای منطقه‌ای علیه ایران و حتی تهدید جنگ را فراهم کرده است. آیا واقعا وزن دیپلماتیک ایران به‌شدت کاهش یافته است؟**

من اساسا از این‌ زاویه به مسئله نگاه نمی‌کنم. به نظر من، تحولات داخلی ایران کاملا قابل پیش‌بینی بود.

❗ **چطور؟**

من از افرادی بودم که بلافاصله پس از آغاز مرحله دوم اعتراضات، زمانی که این اعتراضات وارد فاز درگیری‌های خشن و نظامی از دو سو شو شد، این روند را مرحله دوم جنگ اسرائیل علیه

ایران ارزیابی کردم؛ بدون هیچ‌گونه ملاحظه یا تردیدی. ایالات متحده و اسرائیل در جنگ ۱۲روزه ناکام ماندند و پس از آن، این بازیگران بار دیگر تلاش کردند از مسیر بازگشت به بدنه اجتماعی ایران، به نتیجه‌ای جایگزین برسند. اعتراضات صنفی، ازجمله اعتراضات بازاریان، در ذات خود کاملا معصومانه، مردمی و مبتنی بر مطالبات واقعی بود، حتی زمانی که دامنه آن گسترش یافت نیز ماهیتی مردمی داشت. اما این موج، به سکویی برای سوارشدن نیروی رقیب تبدیل شد؛ نیرویی که تلاش کرد شکست خود در جنگ ۱۲روزه را از طریق تحریک مسائل داخلی ایران جبران کند.

❗ **باز هم من را غافلگیر کردید و چه تعبیر زیبایی به کار بردید، «اعتراضات معصومانه»، واقعا ماشاءالله شمس‌الوعظین معتقد است اعتراضات در آغاز معصومانه بود؟ اگر چنین بود چرا شاهد این میزان از کشتار معترضان بودیم که بی‌سابقه است؟**

اجازه بدهید یک پرسش کلیدی مطرح کنم. من کاری ندارم که چه کسی آغازگر شلیک بود یا نتایج و پیامدهای اولیه چه بود، اما وقتی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا توبیت می‌کند که «مشهد سقوط کرده» و سپس از مردم ایران می‌خواهد نهادهای کلیدی و حاکمیتی را تصرف کنند، باید دقیق شویم. مردم معترض، بازاری یا شهروند عادی، به دنبال تصرف کلاتری یا پادگان نمی‌روند. این کار نیازمند آموزش نظامی، سلاح و تشکیلات است، کاری که تنها از عهده نیروهای مسلح، میلیشیا یا گروه‌های سازمان‌یافته برمی‌آید.

نکته دیگر آن است که نماینده اسرائیل در سازمان ملل اعلام می‌کند افسران موساد در میان معترضان ایرانی در صحنه حضور دارند. نکته دیگر اینکه رسانه‌های وابسته به این‌ جریان ازجمله ایران‌اینترنشنال حمله به مساجد و کلانتری‌ها را ذیل عنوان «دفاع شخصی» توجیه می‌کنند و در ادامه رضا پهلوی در مصاحبه با فاکس‌نیوز پس از این کشتارها می‌گوید «جنگ است و جنگ تلفات دارد». این گزاره‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌هایی از پیش طراحی‌شده برای تضعیف یا فروپاشی نهادهای حاکمیتی وجود داشته است، هیچ حاکمیتی در جهان چنین وضعیتی را تحمل نمی‌کند. با این حال من از همان روز نخست تأکید کردم که باید میان مردم معترض با مطالبات مشروع و نیروی تشکیلاتی سازمان‌یافته‌ای که دنبال برهم‌زدن نظم و واگذاری کشور به بازیگران خارجی است، تفکیک قائل شد. مشکل اینجاست که در میدان عمل، این تفکیک به‌سادگی ممکن نیست. اکثر قربانیان این وقایع، وقتی می‌گویم قربانی همه طرف‌ها را در نظر دارم، از مردم ایران بودند. من اهل تفکیک ارزشی در این زمینه نیستم.

❗ **چه تفکیکی؟ تفکیک بین کلمه جان‌باخته و شهید؟**

بله و من این تفکیک را قبول ندارم. این ادبیات ارزشی‌هاست، همه مردم ایران در دی‌ماه آسیب دیدند و باید بدون هیچ تبعیضی مورد رسیدگی، توجه و آسیب‌شناسی قرار گیرند و برای همه آنها احترام قائل بود.

❗ **این را بدون تعارف بیرسم که قدری با خط تحلیل شما زاویه**



عکس: شهیدنگار، شرق

بیکر شهیدا هستیم. من به‌صراحت اعلام کردم که صداوسیما و برخی رسانه‌های وابسته، به شمشیری دولبه تبدیل شده‌اند؛ یک سو رسانه‌هایی که در پی سرنگونی نظام هستند و سوی دیگر رسانه‌هایی که می‌خواهند حکومت را تثبیت و توجیه کنند. در حالی که نه حفظ نظام وظیفه رسانه است و نه سرنگونی آن.

شما خودتان روزنامه‌نگار هستید و می‌دانید که رسالت رسانه، تقویت نهادهای ملی است؛ از پارلمان و حقوق بشر تا حقوق زنان، برابری، توسعه ملی، مبارزه با جنگ‌های ویرانگر، مقابله با کار کودکان، مبارزه با بی‌سوادی و تقویت همبستگی اجتماعی. ترویج این ارزش‌هاست که به ثبات سیاسی منجر می‌شود. پروپاگاندای مستمر، تنها جامعه را میان دو روایت افراطی گرفتار کرده و رسانه‌ها را به دو لبه یک قیچی تبدیل می‌کند. ما باید در جنگ رسانه‌ای به پروتکل‌های حرفه‌ای، شناخته‌شده و جهانی روزنامه‌نگاری بازگردیم؛ پروتکل‌هایی که خروجی آن حفظ وحدت و همبستگی ملی است.

❗ **این را هم بیرسم که آیا ایران آن‌گونه که علی لاریجانی گفته، به جنگ داخلی نزدیک شده است؟**

خیر، به‌هیچ‌وجه. هنوز عوامل لازم برای این مورد شکل نگرفته است. البته طرح و ایده آن سال‌هاست در محافل اسرائیلی وجود دارد. از زمان تدوین نظریه «اتحاد اقلیت‌ها» توسط بن‌گوریون در دهه ۱۹۴۰، ایران همواره از نگاه اسرائیل یک خطر بالقوه بوده است. اسرائیل با قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای مسئله دارد؛ زیرا خود کشوری کوچک است و همه را هم‌قد خود می‌خواهد. دکترین دفاعی و تهاجمی اسرائیل بر این اساس بنا شده که هیچ قدرتی در منطقه، حتی در سطح موشکی نباید توان برابری با آن را داشته باشد. اسرائیل با اتکا به نقش خود به‌عنوان پایگاه مقدماتی ایالات متحده در خاورمیانه، تلاش می‌کند هر قدرتی را که امکان برتری دارد، یا مهار کند یا سرکوب و در نهایت تجزیه کند.

دارم و قدری هم گنج شدم. از یک سو قائل به تفکیک جان‌باخته و شهید نیستید، همه را به یک چشم می‌بینید و همه آسیب‌دیدگان را مردم ایران می‌دانید و اعتراضات را هم معصومانه تعبیر کردید، اما از سوی دیگر خط تحلیل شما نوعی توجیه کشتار همین مردم نیست؟ مردم باید بدانند در شرایط یک چالش بزرگ جهانی، ممکن است ناخواسته به سوخت یک رویارویی بزرگ‌تر تبدیل شوند. طرح مطالبات معیشتی حق مردم است، اما همراهی با کسانی که به دنبال تصرف مراکز قدرت و پادگان‌ها هستند، کشور را به بحران‌های غیرقابل کنترل می‌کشاند. جز نیروهای تروریستی و هدایت‌شده از خارج، بقیه مردم بودند که آسیب دیدند و همه قابل احترام‌اند. اعتراضات ابتدا معصومانه بود، اما مواضع آمریکا، اسرائیل و رسانه‌های وابسته نشان می‌دهد ماهیت واقعی این رویداد پیچیده است. تصرف مراکز نظامی واکنش قهری به همراه دارد و تجربه‌های تاریخی هزینه‌های نادیده‌گرفتن این واقعیت‌ها را نشان داده است.

ایران در چالش جهانی و زیر سایه جنگ میهنی است؛ کنترل هیجان و تفکیک اعتراض مشروع از پروژه براندازانه ضرورت ملی است. در جریان اعتراضات اخیر، جنگ رسانه‌ای شکست خورد و تصویر ایران در افکار عمومی جهانی به تصویری شبیه اسرائیل پس از جنگ غزه نزدیک شد. اسرائیل با «جنگ روایت‌ها» تلاش دارد ایران را محکوم کند، اما تاکنون موفق نبوده است و دسترسی سفارتخانه‌ها و خبرنگاران خارجی به واقعیت‌ها مانع از فریب روایت‌های اغراق‌آمیز شده است. با این حال، موج رسانه‌ای علیه ایران کشور را در جنگ روایی عقب رانده است.

❗ **به‌ویژه اتفاقی که اخیرا در شبکه افق رخ داد و خشم افکار عمومی را تشدید کرد که در همین چارچوب قابل تحلیل است؟**
دقیقا همین‌طور است. این اتفاق‌ها نمونه روشنی از همان خطاهای رسانه‌ای است. در شرایطی که ایران از نظر افکار عمومی جهانی تحت فشار شدید قرار دارد، ناگهان شاهد اهانت‌هایی به

لونترین
LONGINES

SARMAN Co.
شرکت سرمان
۰۲۱ ۲۲ ۶۱ ۳۷ ۵۲



CONQUEST HERITAGE